الگوی برنامه درسی تربیت معنوی در دوره متوسطه اول با رویکرد زندگی پویا

هانیه ملکی[۱] ◎ دکتر علیرضا عراقیه[۲*] ◎ دکتر حسن ملکی[۳] ◎ دکتر ناهید شفیعی[۴] ◎ دکتر امیرحسین مهدیزاده[۵]

چکیده: هدف کلی پژوهش حاضر، تدوین الگوی برنامهٔ درسی تربیت معنوی دورهٔ متوسطه اول با رویکرد سبک زندگی پویاست. هدف‌های فرعی پژوهش، تعیین عناصر اصلی الگو و طراحی آن به علاوه اعتباریابی الگوی طراحی شده‌اند. در جست‌وجو و تعیین عناصر برنامه درسی و تدوین الگوی مربوط به آن، از رویکرد کیفی و روش‌های مرور نظام‌مند و تحلیل مضمون استفاده شده است. از تجزیه و تحلیل مفاهیم برآمده از کدگذاری‌ها تعداد ۷۷ کد به‌دست آمد. در آخرین مرحله از کدگذاری، یک طبقه‌بندی کلی‌تر به‌عمل آمد. براساس وجوه مشترک مؤلفه‌های به‌دست آمده، دسته‌بندی‌های کلی‌تر و محدودتری صورت پذیرفت که عناصر برنامه درسی را تشکیل می‌دهند. تدوین الگوی برنامه درسی تربیت معنوی دورهٔ متوسطه اول با رویکرد زندگی پویا مهم‌ترین یافته این پژوهش است. عناصری مانند اصول و ملاحظات، هدف، محتوا، راهبردهای تدریس، زمان و فضا، ارزشیابی، خانواده، نقش معلم، نقش یادگیرنده، چالش‌ها و راهکارها، اجزای این الگو را تشکیل می‌دهند. براساس یافته‌های پژوهش، تربیت معنوی را نمی‌توان موازی سایر تربیت‌ها به‌شمار آورد و مثل آنها عناوین درسی مجزایی را در برنامه‌های درسی مدارس گنجاند. برنامه درسی تربیت معنوی یک فرابرنامه درسی است که سایر دروس می‌توانند با توجه به ویژگی‌های خود از آن دلالت‌هایی را دریافت و مورد استفاده قرار دهند.

کلید واژگان: برنامه درسی، تربیت معنوی، برنامه درسی معنوی، زندگی پویا، دورهٔ متوسطه اول

☑ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۹/۲۴ ☑ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۵

این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول است.

۱. دانشجوی دکتری مطالعات برنامه درسی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.
۲. استاد گروه مطالعات برنامه درسی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران (نویسنده مسئول). ..... **E-mail:** a.araghieh@iau.ir
۳. استاد گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
۴. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.
۵. دانشیار گروه مطالعات برنامه درسی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.

■ طرح مسئله

غرق شـــدن انســـان معاصر در اهتمام بیش از حد به نیازهای مادی، او را با نوعی بیماری و بحران مواجه کرده است که بحران معنویت و یا فقر معنوی نامیده می‌شود. به جرات می‌توان گفت که این امر زمینه‌ســـاز بســـیاری از تنش‌های روحی و جنگها و جنایت‌ها بوده است. به باور پژوهشگر اگر چه انسان با تلاش و خردورزی خود به دستاوردهای بزرگی در دانش و فناوری نائل آمده و زمینه‌های آزادی خود را بیش از پیش فراهم کرده است، اما از دستیابی به آزادگی مطلوب ناکام مانده و به دلیل عدم برخورداری شایســـته از معنویت، انسانیت و هویت انسانی در معرض خطر قرار گرفته است و بعید نیست که نتیجه همه تلاش‌ها و یافته‌هایش بر ضد هویت انسانی به کار گرفته شود. معنویت‌خواهی در دنیای امروز چیزی جز اهتمام به نیازهای روانی و غیرمادی به‌منظور دســـت‌یابی به کمال انسانیت و درنهایت معنادارکردن زنـدگی و برگرداندن آرامـش به آن نیست. مطالب روان‌شنـاسی، روان‌درمـانی و مشـاوره، ادیان هندی، نحله‌های گوناگون عرفان و تصوف و غیره برای احیای معنویت تلاش‌هایی کرده‌اند، اما نتایج این تلاش‌ها خلأ معنویت را پر نکرده است.

اســـلام در حکم کامل‌ترین دین الهی با لحاظ کردن ابعاد گوناگون وجود انسان و نگرشی واقع‌بینانه به او همیشـــه در راستای گسترش معنویت اصیل مبتنی بر فطرت، گام برداشته و آدمی را به شکوفایی همه استعدادها ترغیب کرده و از توجه بیش از حد به ظواهر زندگی بر حذر داشته است. در جهت‌گیری کلی معنویت عبارت است از: ۱) جهت‌گیری دینی ۲) جهت‌گیری فارغ از دین. در رویکرد دینی، تربیت معنوی با تربیت دینی مترادف است و راهی برای رستگاری و پرورش استعدادهای انسان است. معنویت تنها شیوه تربیت دینی به شمار نمی‌رود. به عبارت دیگر گستره تربیت دینی از صرف معنویت فراتر است. دین به دلیل پیگیری هدف تشکیل امت دینی نیازمند انسجام میان مومنان و خروج از تمرکز بر فردیت انسان‌هاســـت. با این منطق ضرورت عرضهٔ برنامه‌های مشـــترک اجتماعی در دستور کار قرار می‌گیرد، بنابراین معنویت موردنظر دین نمی‌تواند فقط به جنبه‌های شخصی ارتباط با خداوند محدود شود و باید جلوه‌های اجتماعی نیز پیدا نماید (جوادی آملی، ۱۳۸۷).

در جهت‌گیری فارغ از دین در مواجهه با معنویت، مهم‌ترین وجه تمایز با جهت‌گیری دینی به مفاهیمی چون خدا و حیات پس از مرگ مربوط اســـت. با این‌که در جهت‌گیری فارغ از دین، رویکردهای متنوع وجود دارد ولی وجه اشـــتراک آنها رویارویی با ادیان و تعارض با آنهاست. این‌گونه جهت‌گیری نسبت به معنویت بیش از هرچیز به نیازی معنوی (متمرکز به بعد عاطفی) معطوف است و به ابعاد دیگر وجودی انسان توجهی خاص ندارد. در جهت‌گیری فارغ از دین آرامش و شادابی انسان در این دنیا مورد نظر است و دغدغه آینده و حیات پس از مرگ در آنها وجود ندارد.

بازگشـــت به معنویت که امروزه در مغرب زمین شایع شده است، جهت‌گیری متفاوت با دین‌داری و تربـــیت دینی دارد، بنـابراین پیامدهـای تـربیتی آن نیز متفـاوت از تلقی دیـن از معـنویت است.

توجه به معنویت و روحانیت در برنامه‌های آموزشـــی را از دیدگاه گسترش آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اخلاقـــی و اجتماعی همچون ارتکاب جرم و جنایت، اعتیاد به مواد مخدر، مصرف مشـــروبات الکلی و بحران اخلاقی و ارزشی که در نتیجه رشد و پیشرفت‌های تک‌بعدی دامن‌گیر جوامع انسان به ویژه نسل جوان شده است بسیار مهم و حیاتی می‌دانند. آنان با تأکید بر این‌که آموزش‌وپرورش شاهراه رسیدن به معنویت و روحانیت اســـت، معتقدند که ما اصولاً توجهی نداریم به آشـــکار ساختن و بالفعل کردن ظرفیت‌های درونی معنوی یادگیرندگان که وجه اساســـی انسانیت آنهاست (ترازدیل[1]، ۲۰۰۴). طبق نظر شهید مطهری (۲۰:۱۳۸۱) معنویت و آزادی معنوی انسان تنها از طریق نبوت، دین و کتاب‌های آسمانی تأمین می‌شود؛ بنابراین، کلام الهی و احادیث می‌توانند به‌منزلهٔ منابع اصلی در تدوین محتوای برنامه‌ریزی درســـی معنوی به‌کار گرفته شوند. علاوه بر این، روش‌ها و فعالیت‌های مربوط به پرورش معنویت و برنامه درســـی معنوی باید بر آموزه‌هایی مبتنی باشـــد که به واقعیت جهان هستی، انسان، جایگاه انســـان در جهان، آفریدگار جهان و انســـان مبدا و مقصد آفرینش مربوط می‌شود. از این رو به نظر می‌رســـد در شـــرایط کنونی نظام آموزش‌وپرورش ما به نوعی از برنامه درســـی نیازمند است که شـــامل فرصت‌های مناسب و فعالیت‌های آموزشـــی مربوط به ترتیب معنوی باشد. برنامه‌های درسی معنوی می‌توانند بهترین موقعیت را برای تبلور و رشـــد معنویت در افراد فراهم ســـازند. علاوه بر این اقبال نسبت به برنامـــه درسی معنوی به نظریـات صاحب‌نظران حوزه برنامه‌درسی برمی‌گـردد. آنان به‌این نتیجه رســـیده‌اند که اغلب برنامه‌های طراحی‌شده نســـبت به بُعد اصلی وجود متربی بی‌توجه بوده‌اند. برای مثال اسلاتری[2] (۱۹۹۲) ما را به چیزی بیش از آنچه اینک در برنامه‌هاست، فرا می‌خواند. او می‌گوید: «در معنویت باید برنامه درســـی را به هم پیوسته و آزادی‌بخش تدوین کنیم تا از هیجان، پرســـش، کوشش و مشارکت سرشـــار باشـــد و هدف در آن به جای محصول نهایی، بیشتر فرایندی کل‌نگرانه باشد» (اسلاتری، ۱۹۹۲ :۱۹). نادینگز[3] و شور[4] (۱۹۸۴) معتقدند که در برنامه درسی بیشتر به‌فعالیت‌هایی نیازمندیم که کار، اندیشه و حل مسئله را برای توسعه درک شهودی به‌کارگیرد نه‌صرفاً برای توســـعه بُعد تحلیلی. نکته مهم این است که برنامه درسی معنوی بتواند علاوه بر منطق و دلیل، احساس عمیق و پر بار را در یادگیرنده تقویت کند».

بر این اســـاس و بنا به رویکردها و دیدگاه‌های گوناگون کـــه در معنویت و تربیت معنوی وجود دارد، مسئله اصلی پژوهش پیش‌رو این است که در تربیت معنوی در دانش‌آموزان با تأکید بر دورهٔ متوسطه اول با کدام جهت‌گیری و الگوی برنامه درسی باید اقدام کرد؟ بی‌تردید برای تربیت معنوی، صرفـــاً اجرای برنامه درســـی تعلیمات دینی و معارف اســـلامی کفایت نمی‌کنـــد. انحصار معنویت

1. Trousdale
2. Slattery
3. Noddings
4. Shore

در یک‌ماده درســـی خاص نمی‌تواند گسترش‌دهنده معنویت در گســـترهٔ زندگی دانش‌آموزان باشد. بنابراین مســـئله اصلی پژوهش این اســـت که در نظـــام تعلیم‌وتربیت ایران با کـــدام الگوی تربیت برنامه درســـی می‌توان دانش‌آموزان دورهٔ متوسطه اول را تربیت کرد و این الگو چه عناصری را باید شامل شود.

■ تعریف عملیاتی کلید واژگان

◆ **برنامه درسی**[1]: مجموعه‌ای از طرح‌هایی است که برای هدایت یادگیری در مدارس از آن استفاده می‌شود. معمولاً این برنامه در اسناد قابل بازیابی در چند سطح کلی عرضه می‌شود. علاوه بر آن به اجرا در آوردن این طرح‌ها نیز به همان شـــکلی اطلاق می‌شـــود که یادگیرندگان آن را تجربه می‌کننـــد. این تجربه‌ها در محیط یادگیری اتفاق می‌افتند. محیطی که محتوای یادگیری را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. (گلات‌هورن[2] و همکاران، ۲۰۱۸).

«برنامهٔ درسی عبارت است از مجموعه فرصت‌ها و شرایطی که برای رشد همه‌جانبه یادگیرنده و در راستای هدف‌های مورد نظر پیش‌بینی می‌شود. بخشی از فرصت‌ها از پیش طراحی می‌شوند و بخشی نیز در فرایندها شکل می‌گیرند.» (ملکی، ۱۴۰۰).

◆ **زندگی پویا**[3]: زندگی پویا شـــیوه‌ای از زیســـتن اســـت که هدفمند اســـت و ویژگی‌هایی مانند خـــدا ـ محوری، تعادل، عقلانیـــت، تجربه‌اندوزی، پایداری، محاســـبه، فرصت‌آفرینی، آزادگی و یادگیری مادام‌العمر ارکان آن را تشکیل می‌دهند.

◆ **الگو**[4]: چارچوبی مفهومی است که به ما کمک می‌کند بتوانیم پدیده‌های دیگر را بهتر درک کنیم. الگوها به‌ســـان عاملی کمکی در ساختن نظریه نقش مهمی دارند. الگوها به نظریه‌پردازان کمک می‌کنند تا دریابند که نظریه آنها چگونه شکل می‌گیرد (بازرگان، ۱۳۷۶). الگو باز نمود یک نظریه اســـت. به عبارت دیگر الگـــو نماینده و ارائه‌کننده جنبه‌ها و منظرهـــای گوناگون نظریه قلمداد می‌شود (ارنشتاین[5] و هانکینز[6]، ۱۳۸۴).

◆ **الگوی برنامه درســـی**: الگوی برنامه درســـی چارچوبی مفهومی و ســـاختاری سازمانی برای تصمیم‌گیری دربارهٔ اولویت‌های تربیتی، سیاســـت‌های اجرایی، روش‌های آموزشی و ملاک‌های ارزشیابی است (گافین[7]، ۲۰۰۰).

1. Curriculum
2. Glatthorn
3. Dynamic living
4. Model
5. Ornstein
6. Hunkins
7. Goffin

- **تربیت معنوی**[1]: تربیت معنوی عبارت است از ایجاد زمینه‌ها و شرایط مناسب برای درونی شدن و تقویت روحیه خدا- محوری و نگرش ماورایی در متربی.
- **برنامه درسی معنوی**[2]: برنامه‌ای است که رویکرد، عناصر و مؤلفه‌های آن با جهت‌گیری پرورش انســـان خدا- محور طراحی شود و از محصور شدن یادگیرنده در تعلقات صرفاً دنیوی جلوگیری کند.
- **دورهٔ متوسطه اول**: منظـــور از دورهٔ متوســـطه اول در ایران، سه سال تحصیلی است که بعد از پایان دورهٔ شـــش ساله آموزش ابتدایی شروع می‌شود و قبل از دورهٔ سه ساله دورهٔ دوم متوسطه قرار دارد.

■ مبانی نظری و تجربی

درباره معنویت دیدگاه‌های مختلف بیان شـــده است که جمع‌بندی آنها نشان می‌دهد که معنویت، جوهر و اساس انسانیت و زمینه عالی آدمیت و رشد و توسعهٔ شخصیت انسان است. شلدراک[3] (۲۰۰۷) می‌گوید: معنویت به این مربوط اســـت که چگونه مردم در باطن، صاحب اعتقادات ســـنتی دربارهٔ خدا، انسان، خلقت و رابطهٔ متقابل آنها می‌شوند و این اعتقادات را در عبادت، ارزش‌های اساسی و در چگونگی زندگی نشان می‌دهند. پلانته[4] (۲۰۰۸) معنویت را رابطه فرد با خدا، واگذاری کارها به او و اعتقاد به قدرت و هدایت همه‌جانبه او می‌داند. معنویت رابطه و ایجاد وحدت با طبیعت، انسان‌ها و رسیدن به یگانگی و اتحاد با هســـتی است. همچنین معنویت منبعی برای هدف و غایت در زندگی انسان دانسته شده است (توکلی، ۱۳۹۵).

بعضی از افراد معتقدند که معنویت از مذهب شروع می‌شود و به‌طور سنتی با مذهب ارتباط دارد، اما بعضی دیگر از طرح ارتباط معنویت با مذهب اکراه دارند و ارتباط بین مذهب و معنویت را قبول ندارند. عده‌ای معنویت را گســـترده تر از مذهب می‌دانند و می‌گویند: مذهب چارچوبی را برای عقاید، سنت‌ها، تعالیم و مراســـم به وجود می‌آورد ولی معنویت مفهومی است که شامل ارتباط فرد با خود، با دیگران و محیط اســـت. علاوه بر آن، احســـاس‌هایی از آرامش درون، توانایی ارتباط درونی و معنای زندگی است. فیشـــر[5] (۲۰۰۵) در تحقیقی که پیرامون معنویت اســـترالیایی انجام داده اســـت بیان می‌کند که میان معنویت و مذهب تفاوت وجود دارد. او می‌گوید که مذهب بر ایدئولوژی متمرکز و نقش ایمان و نظام‌های عقیدتی در مذهب پر رنگ است، اما معنویت بر تجربه و ارتباطات تمرکز دارد.

1. Spiritual education
2. Spiritual curriculum
3. Sheldrake
4. Plante
5. Fisher

کی‌سوزا[1] و همکاران (۲۰۰۴؛ به نقل از قاسم‌پور و همکاران، ۱۳۹۵) بر این باورند که می‌توان ابعادی را برای معنویت قائل شد که عبارت‌اند از:

۱) **درون‌نگری:** حالتی از آگاهی که فرد را به تفکر در درون خودش وا می‌دارد.

۲) **رابطه:** به این معنا که هدف اصلی معنویت بررسی و واکاوی درون هستی خودش و باورهایش نیست بلکه به این برمی‌گردد که چگونه فرد با دیگران ارتباط برقرار می‌کند.

۳) **تعادل بین آزادی انتخاب و فرهنگ:** به این معنا که فرد قادر است انتخاب کند و پاسخ‌های خودش را به پرسش‌های اساسی دربارهٔ معنای وجود و هستی پیدا کند.

۴) **دید کلی‌نگر و جامع**: یعنی معنویت شامل یک تعهد با تمام وجود در تمام ابعاد ذهنی، عاطفی، عمل و نیت است.

◉ دیدگاه فارغ از دین دربارهٔ معنویت

عدم موفقیت دنیای مدرن در حل مسائل زندگی انسان در ابعاد مختلف از یک‌سو و ناکارآمدی پیشنهادهای رشد و تعالی انسان در جامعهٔ غربی که با وقوع جنگ‌های جهانی بر انسان مدرن روشن شد از سوی دیگر، زمینه را برای تأمل جدی در توجه به بُعد معنوی انسان به وجود آورد. متفکران جدید که در عرصه‌های مختلف و با رویکردهای گوناگون به نقد دنیای مدرن پرداختند اندک اندک با عنوان کلی‌تری به نام متفکران پست مدرن تبدیل شد. بسیاری از متفکران پست‌مدرن مبانی دینی را مجهول و غیرعقلانی می‌دانستند و در جستجوی راه‌حل‌های دیگر در تسکین آلام بشری بودند (قاسم پور، ۱۳۹۵).

معنابـاوری فارغ از دین که تجربه‌ای جدید در برخورد با معنویت است، از دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد شروع می‌شود. این دوره دوره‌ای است که در آن شیوع فرقه‌های معنوی بسیار رونق گرفته است. این معنویت‌ها به رغم بی اعتبار دانستن آموزه‌های دینی در تغییر عمیق زندگی انسان، معنویت را عاملی در سطوح مختلف زندگی انسان می‌دانند (تریگ[2]،۱۳۸۴).

تعداد فرقه‌های معنوی نوپدید با گرایش‌های مختلف مانع می‌شود که اجماعی در تعریف نظریه‌پردازان این جنبش‌ها از معنویت مشاهده شود. برخی از فرقه‌ها به‌منظور شفاف‌سازی موضوع معنویت غیر دینی معرفی می‌شوند:

۱) **معنویت به‌مثابه جستجوی معنا در زندگی:** متفکرانی چون ویکتور فرانکل (۱۹۹۷-۱۹۰۵) منظور از معنویت را همان جستجوگری انسان در پی معنا در زندگی تلقی می‌کنند. او در شرح جایگاه معنا در زندگی انسان می‌نویسد:

1. Ksoza
2. Trigg

«معنا از رهگذر پاسخ‌گویی به خواسته‌های موقعیت پیش‌آمده کشف می‌شود. در نتیجه با تعهد نسبت به تکلیف منحصر به فرد زندگی تجربه می‌شود. در اینجا باید به خود اجازه دهیم تا تجربه لحظه را درک کند و به معنای نهایی اعتماد کنیم، معنای نهایی که ممکن است به مفهوم خدا باشد یا نباشد (محمدپور، ۱۳۸۵؛ به نقل از مرادی و همکاران، ۱۳۹۳).

۲) **معنویت به معنای کامل شدن و دست‌یابی به نگاهی کل نگر**: از این دیدگاه دستیابی به معنویت در گرو هماهنگ شدن با کل هستی است. ایزون در توضیح این نگرش به معنویت می‌نویسد:

«ما وقتی جهانمان را به‌طور کامل می‌فهمیم که جزئی از آن باشیم. به محض اینکه تلاش کنیم بیرون از آن قرار بگیریم ما جدا و تک می‌شویم. برای دستیابی به کمال به کارگیری مشارکت لازم است (ایزون[1] و همکاران، ۱۹۹۸).

۳) **معنویت به معنای تمرکز بر انبساط روح به عنوان انرژی:** از این دیدگاه معنویت رابطه‌ای استوار با روح دارد. تلاش انسان برای تمرکز بر روح و انبساط آن برای دستیابی به انرژی اثرگذار در هستی از ویژگی‌های اصلی برای معنوی بودن یا معنوی شدن انسان تلقی می‌شود. امرسون[2] (۱۹۹۹) در تلاش برای روشن‌سازی مفهوم روح می‌نویسد:

«همه تلاش‌ها این است که بگوییم روح در اصل، ارگان (اندام) نیست، اما تحریک‌کننده و وادارکننده حرکت تمام اندامهاست. قدرت حافظه ماشین حساب نیست. روح قوهٔ ذهنی نیست، اما روشنایی‌بخش است، هوش نیست، اما مسلط بر هوش است (ملکی،۱۳۸۲). روح پشتوانه حیات ماست، بی‌کران که تسخیر نمی‌شود و امکان تسخیر شدن آن وجود ندارد (به نقل از میلر[3]،۲۰۰۰؛ ترجمه قورچیان، ۱۳۸۰).

۴) **معنویت یعنی همان عشق**: برخی از رهبران معنویت‌های نوظهور با تأکید بر عشق به مثابه هستهٔ اصلی وجود آدمی، سعی دارند معنویت را تلاش برای دست‌یابی به حالتی از شوریدگی انسان معرفی کنند که به زندگی در تحیر و لذت منجر می‌شود. از نگاه این افراد (اوشو، ۱۹۹۰-۱۹۲۱)، دالایی لاما (۱۹۳۵)، پائولوکوئیلو (۱۹۴۷)، عشق جریان اصیل زندگی است و کسی که در این مسیر قرار گیرد می‌تواند سعادتمندانه در هستی به حیات ادامه دهد.

در مجموع، ویژگی‌های معنویت نزد معنویت باوران فارغ از دین عبارت‌اند از:

- معنویت به درون انسان مربوط است.
- برای دست‌یابی به معنویت الزامی به پذیرش باورهای دینی نیست.

1. Izon
2. Emerson
3. Miller

- هدف نهایی در معنویت بارورسازی استعدادهای درونی به منظور دستیابی به آرامش، شادمانگی و قدرت رهبری استعدادهای خود است.
- معنویت‌ها در اغلب موارد ویژگی خردستیزی و منطق گریزی دارد.
- نفی شریعت و فقه گریزی از دیگر ویژگی‌های این نوع از معنویت به شمار می‌رود.
- معنویت‌ها به زندگی جاری انسان در این دنیا معطوف است.
- در دیدگاه فارغ از دین معنویت، نسبی‌گرایی شناخت را پذیرفته‌اند.

از این رو در این جهان‌بینی، معنویت نیازی است اساسی و یکی از ابعاد وجود آدمی، اما برای معنوی بودن، ضرورتی به دین نیست. در این تفکر تربیت معنوی بخشی از حیات انسان تلقی می‌شود که به نیازهای عاطفی‌هیجانی انسان مربوط است و با نیازهای حوزهٔ شناختی ارتباط مستقیم ندارد.

معنویت مبتنی بر دین

در مقابل دیدگاه فارغ از دین در بحث معنویت، دیدگاه دین‌باوران قرار دارد که معنویت اصیل و متناسب با شأن سرشتی و حقیقی آدمی را در قلمرو دین الهی می‌پذیرند و آن را به گسترهٔ زندگی معنا می‌کنند.

دربارهٔ دین تعاریف گوناگونی شده است. ویلیام جیمز بر این باور است که دین یک نظم نامرئی موجود در جهان است و وظیفه اساسی انسان، هماهنگی با این نظم است. یونگ دین را تفکر از روی وجدان می‌داند. وی بر این باور است که یکی از تجارب اساسی انسان‌ها هستند. فروم بر این باور است که دین نیاز به پرستش و خدا جلوه‌ای از نیاز انسان‌ها به کمال است.

قرآن کریم که کتاب هدایت انسان و متن جامع و کامل تعلیم‌وتربیت انسان است، معنویت را دارای قلمرو وسیع و گسترده می‌داند که می‌تواند شامل همهٔ احوال، اقوال و افعال و انگیزه‌های انسان شود، زیرا گوهر معنویت را خداگرایی می‌داند. از این رو، هرکاری که با رنگ و رایحه رحمان و انگیزهٔ الهی انجام گیرد داخل معنویت است: «قل انّما اَعِظُکُم بواحده اَن تَقُومُوالله مَثنی وَ فرادی ثُمَ تَتَفکَروا (سبا:۴۶). در این آیه مبارکه خلوص جوهر همهٔ فعالیت‌های آدمی اعم از عبادی، تجاری، سیاسی، اجتماعی و ... قلمداد شده است. عبادت، ذکر، تفکر، تعلیم و تعلم، حکومت و حکمت و سیاست و سلوک را تنها با مبنای الهی می‌پذیرد: اَنَّما یَتَقَبَّلَ الله مِنَ المتُقین» (مائده: ۳۰). همچنین برای معنویت مبانی و اصولی شمرده است که سرنوشت سازند و ما به برخی از آنها اشاراتی مجمل می‌کنیم:

- **اصالت روح**: قرآن انسان را رقیقه‌ای از حقایق التایق و جلوهٔ اسماء جمال و جلال الهی می‌داند که انسان دارای هویت مثالی است و شناسنامه و وجود انسان در همان اصالت روح معنا و تفسیر می‌شود که فرمود: فَاِذا سَوَّیتَهُ وَ نَفَتُ فیه مِن روُحِی (حجر: ۲۹) و یا «من روحی» در آغاز تکوین و فَادخُلی فِی عِبادِی وَادخُلِی فی جَنَّتیِ (فجر: ۳۰-۲۹) در مسیر تکامل و غایت استکمال انسان

که بر پایه‌های عقل و اراده از یک جهت و عشق و ایمان از جهت دیگر نهاده شده است تا «کَدحاً فُلاقیه» (الشقاق: ۶) در فرجام و سرانجام حرکت تکامل انسان سالک الی الله صورت پذیرد و انسان معنویت‌گرا با دریافت و ادراک چنین هویت و تاریخ و جغرافیایی که قرآن برای او ترسیم و تصویر کرده است در پرتو «عقل نیت و حیا نیت» و در سایه‌سار شجرهٔ طیبه شریعت و در پناه هدایت و حمایت انسان کامل مکمل «صراط مستقیم» را در پیش می‌گیرد و چنین درک و دریافتی «درد خداجویی و خداخویی» را که در عبدالله شدن و سپس «صبغه الله» یا رنگ خدا یا رنگ خدا یافتن است به فعلیت می‌رساند.

- **اصالت فطرت**: فطرت سرشت خاص انسان است و مجموعه‌ای از گرایش‌ها، معرفت‌ها و مهارت‌های ذاتی را در بر می‌گیرد. انسان‌ها با همهٔ تفاوت‌هایی که دارند در این وجه فطرت اشتراک دارند و از طریق تعلیم‌وتربیت و برنامه‌های درسی باید به رشد و شکوفایی داشته باشند. قرآن می‌فرماید: «فَأَقِم وَجهَکَ لِلدّین حَنیفاً فِطرَتَ الله الَّتی فَطَرَالناس عَلیها لَا تَبدیلَ لَخَلقِ الله». طبق این آیه فطرت، دین الهی به عنوان کتاب «تسریع» و فطرت بشر به‌عنوان کتاب «تکوین» انطباق دارند و بر این اساس گرایش‌های فطری انسان با دستورالعمل‌هایی قابل رشد است که از دین الهی می‌توان به‌دست آورد.
- **اصالت راه**: راه دستیابی به تعالی و مراتب بالای رشد را نیز خدای متعال معین کرده است. نام این راه صراط مستقیم است که در نمازهای یومیه خود به‌طور مکرر ذکر می‌کنیم. از خداوند طلب می‌کنیم، «اِهدِنا الصّراطَ المُستقیم» خدایا ما را به راه راست هدایت فرما. همهٔ ادعیه مستحب‌اند جز این دعا که در سورهٔ حمد خواندنش واجب است. این وجوب معنا دارد و این راه بدیل ندارد و نمی‌توان به‌جای آن ادعیه‌ای دیگر جایگزین ساخت.
- **زندگی پویا**: پرسش از معنای زندگی محل تقاطع مابعدالطبیعه، فلسفه اخلاق، فلسفه زیست‌شناسی و فلسفهٔ دین است. معنای زندگی با موضوعاتی متفاوت مانند هستی‌شناسی، خلقت انسان، هدف خلقت انسان و موضوعات روان‌شناختی هم‌چون اضطراب، دلهره، یاس، افسردگی، پوچی و تنهایی و مسائل دینی مانند وجود یا عدم وجود خدا، جهان دیگر، سعادت انسانی و غیره مرتبط است. از این‌رو معنای زندگی یکی از موضوعات فلسفی، دینی و روان‌شناختی است که پاسخ‌های متفاوت دارد.

زنده بودن شامل همهٔ موجودات رشد یابنده و متحرک است، درحالی‌که زندگی مخصوص انسان‌هاست. زندگی کردن به حیوانات و موجودات غیر انسانی اطلاق نمی‌شود. می‌توان گفت زنده بودن حرکت افقی است از لحظهٔ تولد تا مرگ، درحالی‌که زندگی واقعی حرکت عمودی است از فرش تا عرش، از انسان تا خدا. با این‌که جهت اصلی رشد انسان مطابق آموزه‌های قرآنی هدایت است ولی راه‌های فرعی

تکاپو و تلاش در این راه یکی نیســـت. انسان‌ها مصنوعات یک کارخانه نیستند که به‌مثابه ماده فیزیکی یکســـان داشته باشند، بلکه هر انسان یک شخصیت مستقل دارد، ضمن اینکه با انسان‌های دیگر بُعدی مشترک به نام «فطرت» نیز دارند. پویایی زندگی منوط به این است که فرد بتواند از توانائی‌های مستقل خود به‌صورت هدفمند بهره‌برداری کند و توانائی‌ها و گرایش‌های فطری را نیز که در مسیر تعالی انسان خلق شده‌اند، مورد غفلت قرار ندهد.

زندگی پویا را فلاسفه و زندگی‌پژوهان تحلیل می‌کنند و شاخص پویایی نزد همگان یکسان نیست. سقراط به ما می‌آموزد که حقیقت زندگی در زیست متأملانه و پرسشگرانه است و درنهایت چنین زندگی، شناخت نفس و حقیقت روحانی آدمی است.

ویلیام بی اروین[1] (۱۴۰۴) صاحب‌نظری دیگر اســـت که درباره زندگی و عوامل پویایی آن شـــرحی خاص ارائه کرده است. او می‌گوید: بسیاری از مردم هنگام بیان آرمان به دردسر می‌افتند. آنها می‌دانند دقیقه به دقیقه یا حتی دهه به دهه زندگی‌شـــان خواستار چه هستند، اما هرگز درنگ نکرده‌اند تا دربارۀ آرمان بزرگ‌شـــان بیندیشـــند. بهره‌مندی از آرمان‌های بزرگ در زندگی نخستین مؤلفه زندگی است، به این معنا که اگر در زندگی چنین آرمانی نداشـــته باشـــید فلسفه زندگی بسامانی هم نخواهید داشت. این فیلســـوف زندگی‌پژوه در بیان ضرورت داشتن برنامه‌ریزی در زندگی می‌گوید: «فرض کنید بتوانیم آرمان بزرگمان را در زندگی بشناســـیم، حتی باز هم در این خطر وجود خواهد داشـــت که آن‌گونه که شایسته آن هستیم زندگی نکنیم، به‌ویژه اگر برنامه‌ای کارآمد برای دستابی به آرمان خود نداشته باشیم. هایدگر به عنوان یک فیلسوف غربی در مقولات اصلی معنای زندگی تأمل کرده و انسان، خدا و جهان را ســـه محور اصلی معنای زندگی اظهار کرده است. از این سه مقوله انسان و جهان توجه بیشتر هایدگر را به خود جلب کرده و او برای فهم معنای هســـتی که اصلی‌ترین پرسش زندگی است به انسان‌شناسی و جهان‌شناسی اقدام کرده است».

ویکتور فرانکل[2] (۱۹۹۷-۱۹۰۵) بنیان‌گذار مکتب معنادرمانی اســـت و مکتبی با عنوان معنادرمانی (Logo Therapy) به وجود آورده اســـت. در آن مکتب این شـــیوۀ تفکر به وجود آمد که آن چیزی که مهم است این است: من چه کسی باید باشم؟ اعتقاد او این است که انسان بودن یعنی «مسئول بودن»، داشـــتن موضع گیرنده، ارزیابی‌کننده و تصمیم‌گیرنده. براساس آرای گروهی از فلاسفه مانند افلاطون، ارســـطو، آگوستین، توماس آکوئیناس، کی‌یرکگارد، ژان پل سارتر، ابوعلی سینا، فارابی و شهید مرتضی مطهری ویژگی‌های زندگی پویا عبارت‌اند از:

تعادل، خدا- محوری، عقلانیت، تجربه‌اندوزی، صبر و استقامت، محاسبه و ارزیابی، زیست اجتماعی، طبیعت‌بانی، فرصت‌آفرینی، حریت، امتداد زمان، تعلم مستمر.

1. William B. Irvin
2. Viktor Frankl

شکل ۱. ارتباط مفهومی زندگی پویا

روش‌شناسی

رویکرد کیفی و روش‌های پژوهش مرور نظام‌مند[1]، (در پاسخ پرسش اول)، تحلیل مضمون (برای بررسی پرسش دوم) و گروه کانونی (در پاسخ به پرسش سوم) انتخاب و اجرائی شده‌اند. در مرور نظام‌مند از مدل بولاند[2] استفاده شده که شامل سه مرحلهٔ اصلی و هشت گام است. برنامه‌ریزی، مرور نظام‌مند و گزارش مرور نظام‌مند مراحل اصلی و جست‌وجوی منابع، غربالگری، استخراج اطلاعات، تجربه و تحلیل اطلاعات و گزارش یافته‌ها گام‌های فرعی این پژوهش‌اند. در تحلیل مضمون از فرایند شش مرحله‌ای براون و کلارک[3] (۲۰۰۶) و در اعتباریابی الگو نیز از روش گروه کانونی، مرکب از صاحب‌نظران حوزهٔ مطالعات برنامه درسی و علوم تربیتی بهره‌گیری شده است.

یافته‌ها

با اجرای دو روش کیفی مرور نظام‌مند و تحلیل مضمون در پاسخ به دو پرسش: «مؤلفه‌های برنامه درسی تربیت معنوی با رویکرد سبک زندگی پویا کدام‌اند؟» و «الگوی برنامه درسی تربیت معنوی برای دورهٔ متوسطه اول کدام است؟» و انجام کدگذاری‌های مربوط در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، برنامه درسی ملی و مقاله‌های علمی و ادغام آنها با یکدیگر شاخص‌هایی به دست آمد که در جدول شماره ۱ تنظیم شده است.

1. Systematic review
2. Boland
3. Braun & Clarke

جدول ۱. جدول حاصل از کدگذری و ترکیب و تلفیق کدها

	شاخص	عناصر	هسته مرکزی
۱	اصل توحید-محوری	اصول و ملاحظات	الگوی برنامه درسی تربیت معنوی دوره متوسطه اول با رویکرد زندگی پویا
۲	داشتن رویکردی جامع		
۳	اصل تعادل در حیات مادی و معنوی		
۴	اصل تعامل سه‌گانه مدرسه، خانواده و جامعه		
۵	اصل تجربه‌گرایی و زیستهٔ یادگیرنده		
۶	اصل توجه به ملاحظات فرهنگی و بومی		
۱	پرورش انسان معناجو، خودآگاه و پویا در مسیر رشد اخلاقی، اجتماعی و الهی	هدف	
۲	درونی‌سازی بینش توحیدی و معناجویی در زندگی روزمره		
۳	رشد خودآگاهی معنوی، اخلاقی و اجتماعی		
۴	تقویت احساس مسئولیت نسبت به خود، دیگران و محیط		
۵	پرورش توان تصمیم‌گیری اخلاقی و هدف‌گذاری مبتنی بر ارزش‌ها		
۶	تمرین سبک زندگی متعادل (عبادت، کار، تفریح، خدمت)		
۷	ارتقای توان تشخیص موقعیت‌های اخلاقی و اتخاذ تصمیم معنوی		
۱	توجه به رویکردها و راهبردهای آموزشی فعال	راهبردها، رویکردهای آموزشی	
۲	یادگیری موقعیتی و تجربه-محور		
۳	یادگیری تأملی و گفت‌وگویی		
۴	رویکرد الگویی		
۵	تلفیق دانش و عمل(رویکرد تلفیقی)		
۱	محتوای برنامه درسی تربیت معنوی بازتاب‌دهنده تجربه‌های زیسته، ارزش‌های فرهنگی و نیازهای رشد دانش‌آموزان	محتوا، اصول و معیارها	
۲	آیات و احادیث مرتبط با رشد انسان و پویایی زندگی		
۳	داستان‌های واقعی از انسان‌های موفق معنوی		
۴	تمرین‌های مراقبه و تأملات شخصی		
۵	فعالیت‌های گروهی و اجتماعی		

جدول ۱. (ادامه)

	شاخص	عناصر	هسته مرکزی
	اصول انتخاب محتوا:	محتوا، اصول و معیارها	الگوی برنامه درسی تربیت معنوی دوره متوسطه اول با رویکرد زندگی پویا
۱	تناسب فرهنگی و سنی		
۲	توازن شناختی، عاطفی و رفتاری		
۳	قابلیت پیوند با زندگی واقعی		
۴	جذابیت و تنوع در ارائه		
	زمان:	زمان و فضا	
۱	استمرار تربیت معنوی در طول سال تحصیلی		
۲	انعطاف‌پذیر		
	فضا:		
۱	ایجاد فضاهای یادگیری الهام‌بخش مانند فضاهای گفت‌وگو و تفکر		
۲	بهره‌گیری از مکان‌های کلاسی و غیر کلاس درس هر دو اصول حاکم: انعطاف‌پذیری، تداوم و پیوند یادگیری رسمی و غیررسمی		
۱	خانواده به‌عنوان بازوی تربیتی مدرسه	خانواده	
۲	مشارکت والدین در طرح‌های مدرسه- محور معنویت		
۳	آموزش والدین در زمینه سبک زندگی پویا		
۴	خانواده زمینه‌ساز رشد معنوی و سبک زندگی فعال دانش‌آموز		
۱	ارزشیابی کیفی، تکوینی و مبتنی بر رشد پایدار	ارزشیابی	
۲	پرتقوی رشد معنوی		
۳	خودارزیابی و هم‌ارزیابی تأملی		
۴	مشاهده ساختاریافته رفتار اخلاقی(مشاهده مستقیم رفتار)		
۵	مصاحبه‌های بازتابی با دانش‌آموزان و والدین		
۶	تمرکز بر فرایند رشد و تغییر نگرش‌ها و رفتارها		
۷	رویکرد ارزشیابی عملکردی و مبتنی بر شایستگی کارآمدتر		
	یادگیرنده:	نقش و معلم	
۱	عامل فعال در ساخت معنا		
۲	متفکر		
۳	تجربه‌گر و مسئول رشد درونی خود		

جدول ۱. (ادامه)

	شاخص	عناصر	هسته مرکزی
	معلم:	**نقش و معلم**	**الگوی برنامه درسی تربیت معنوی دوره متوسطه اول با رویکرد زندگی پویا**
۱	**راهنما و تسهیل‌گر تجربه‌های معنوی**		
۲	**الگوی زیسته سبک زندگی پویا**		
۳	**خالق فضاهای گفت‌وگو**		
	ذی‌نفعان اصلی:	**ذی‌نفعان**	
۱	**معلمان، مدیران، والدین، مشاوران و جامعه محلی**		
	شیوه سازمان‌دهی:		
۱	**تشکیل شورای تربیت معنوی مدرسه**		
۲	**کارگروه‌های تخصصی طراحی محتوا و ارزشیابی**		
۳	**ارتباط بین‌مدارسی برای تبادل تجربه‌های موفق**		
	چالش‌ها و راهکارها:	**چالش‌ها و راهکارها**	
۱	**کمبود زمان و منابع برنامه درسی: راهکار ـ تلفیق تربیت معنوی در سایر دروس**		
۲	**ضعف مهارت معلمان : راهکار ـ آموزش‌های ضمن‌خدمت مبتنی بر تجربه**		
۳	**گسست میان مدرسه و خانواده : راهکار ـ پروژه‌های مشترک**		
۴	**ارزشیابی نمره محور: راهکار ـ جایگزینی با ارزشیابی کیفی**		
۵	**نگاه گزینشی: راهکار ـ نهادینه‌سازی معنویت به‌عنوان زیربنا**		
۶	**موانع مرتبط با دانش‌آموز: راهکار ـ ایجاد محیط مناسب و تعاملی برای دانش‌آموزان**		
۷	**نبود نظارت کافی: راهکار ـ استفاده از رویکردهای علمی نظارت در مدرسه**		

برای تکمیل داده و اطلاعات نیز با ده نفر از صاحب‌نظران حوزهٔ علوم تربیتی مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند به عمل آمد و کدگذاری برای دستیابی به مضامین انجام شد. در آخرین مرحله از کدگذاری، دسته‌بندی کلی‌تر صورت پذیرفت و در قالب مؤلفه‌های گوناگون طبقه‌بندی شدند. در این فرایند پژوهشگر، کدها را بررسی و با استفاده از استقرای استنتاجی جدول شاخص‌ها و مؤلفه‌های الگوی برنامه درسی تربیت معنوی با رویکرد زندگی پویا به دست آمد.

الگوی برنامه درسی تربیت معنوی دوره متوسطه اول با رویکرد زندگی پویا

هدف
۱. پرورش انسان معناجو، خودآگاه و پویا در مسیر رشد اخلاقی، اجتماعی و الهی
۲. درونی‌سازی بینش توحیدی و معناجویی در زندگی روزمره
۳. رشد خودآگاهی معنوی، اخلاقی و اجتماعی
۴. تقویت احساس مسئولیت نسبت به خود، دیگران و محیط
۵. پرورش توان تصمیم‌گیری اخلاقی و هدف‌گذاری مبتنی بر ارزش‌ها
۶. تمرین سبک زندگی متعادل (عبادت، کار، تفریح، خدمت)
۷. ارتقای توان تشخیص موقعیت‌های اخلاقی و اتخاذ تصمیم معنوی

اصول و ملاحظات
۱. اصل توحید ـ محوری
۲. داشتن رویکردی جامع
۳. اصل تعادل در حیات مادی و معنوی
۴. اصل تعامل سه‌گانه مدرسه، خانواده و جامعه
۵. اصل تجربه‌گرایی و زیستهٔ یادگیرنده
۶. اصل توجه به ملاحظات فرهنگی و بومی

چالش‌ها و راهکارها:
۱. **کمبود زمان و منابع برنامه درسی:** راهکار ـ تلفیق تربیت معنوی در سایر دروس
۲. **ضعف مهارت معلمان:** راهکار ـ آموزش‌های ضمن‌خدمت مبتنی بر تجربه
۳. **گسست میان مدرسه و خانواده:** راهکار ـ پروژه‌های مشترک
۴. **ارزشیابی نمره‌محور:** راهکار ـ جایگزینی با ارزشیابی کیفی
۵. **نگاه گزینشی:** راهکار ـ نهادینه‌سازی معنویت به‌عنوان زیربنا
۶. **موانع مرتبط با دانش‌آموز:** راهکار ـ ایجاد محیط مناسب و تعاملی برای دانش‌آموزان
۷. **نبود نظارت کافی:** راهکار ـ استفاده از رویکردهای علمی نظارت در مدرسه

راهبردها و رویکردهای آموزشی
۱. توجه به رویکردها و راهبردهای آموزشی فعال
۲. یادگیری موقعیتی و تجربه ـ محور
۳. یادگیری تأملی و گفت‌وگویی
۴. رویکرد الگویی
۵. تلفیق دانش و عمل (رویکرد تلفیقی)

ذی‌نفعان اصلی:
معلمان، مدیران، والدین، مشاوران و جامعه محلی

شیوه سازماندهی:
۱. تشکیل شورای تربیت معنوی مدرسه
۲. کارگروه‌های تخصصی طراحی محتوا و ارزشیابی
۳. ارتباط بین‌مدارسی برای تبادل تجربه‌های موفق

محتوا و اصول و معیارها
۱. محتوای برنامه درسی تربیت معنوی بازتاب‌دهنده تجربه‌های زیسته، ارزش‌های فرهنگی و نیازهای رشد دانش‌آموزان
۲. آیات و احادیث مرتبط با رشد انسان و پویایی زندگی
۳. داستان‌های واقعی از انسان‌های موفق معنوی
۴. تمرین‌های مراقبه و تأملات شخصی
۵. فعالیت‌های گروهی و اجتماعی

اصول انتخاب محتوا:
۱. تناسب فرهنگی و سنی
۲. توازن شناختی، عاطفی و رفتاری
۳. قابلیت پیوند با زندگی واقعی
۴. جذابیت و تنوع در ارائه

نقش و معلم:
یادگیرنده:
۱. عامل فعال در ساخت معنا متفکر
۲. تجربه‌گر و مسئول رشد درونی خود

معلم:
۱. راهنما و تسهیل‌گر تجربه‌های معنوی
۲. الگوی زیسته سبک زندگی پویا
۳. خالق فضاهای گفت‌وگو

ارزشیابی
۱. ارزشیابی کیفی، تکوینی و مبتنی بر رشد پایدار
۲. پرتقوی رشد معنوی
۳. خودارزیابی و هم‌ارزیابی تأملی
۴. مشاهده ساختاریافته رفتار اخلاقی (مشاهده مستقیم رفتار)
۵. مصاحبه‌های بازتابی با دانش‌آموزان و والدین
۶. تمرکز بر فرایند رشد و تغییر نگرش‌ها و رفتارها
۷. رویکرد ارزشیابی عملکردی و مبتنی بر شایستگی کارآمدتر

زمان:
۱. استمرار تربیت معنوی در طول سال تحصیلی
۲. انعطاف‌پذیر

فضا:
۱. ایجاد فضاهای یادگیری الهام‌بخش مانند فضاهای گفت‌وگو و تفکر
۲. بهره گیری از مکان‌های کلاسی و غیرکلاس درس هر دو

اصول حاکم:
انعطاف‌پذیری، تداوم و پیوند یادگیری رسمی و غیررسمی

خانواده
۱. خانواده به‌عنوان بازوی تربیتی مدرسه
۲. مشارکت والدین در طرح‌های مدرسه محور معنویت
۳. آموزش والدین در زمینه سبک زندگی پویا
۴. خانواده زمینه‌ساز رشد معنوی و سبک زندگی فعال دانش‌آموز

شکل ۲. الگوی اولیه مستخرج از کدگذاری‌های ترکیبی

در پاسخ به سؤال سوم «اعتبار الگوی برنامهٔ درسی تربیت معنوی دورهٔ متوسطه اول با رویکرد زندگی پویا» از روش گروه کانونی استفاده شد. اعضای گروه کانونی شامل هشت نفر و از بین اعضای محترم هیئت علمی مجرب و متخصص حوزه مورد مطالعه انتخاب شـــدند. هدف از این مرحله بررسی تناسب و کفایت هر یک از عناصر و زیرمجموعه آنها و تعیین اعتبار الگوی تدوین شده است.

با اجرای روش گروه کانونی و دریافت دیدگاه‌ها، طبقه‌بندی آنها و اعمال آنها در متن الگو، همچنین بازاندیشی مجدد در اطلاعات به‌دست‌آمده شکلی متفاوت و جدید از آن بازآفرینی شد که شرح و شکل ارتباطی مؤلفه‌های آن ارائه شده است.

◉ الگوی برنامه درسی تربیت معنوی دوره متوسطه اول با رویکرد سبک زندگی پویا

پیش از ارائه الگو لازم است درباره جایگاه آن در میان برنامه‌های درسی دورهٔ متوسطه اول توضیحاتی طرح شود و کاربرد آن به طرز معقول و منطقی صورت پذیرد.

نکته نخست این‌که موضوع تربیت معنوی یک موضوع فرابرنامه درسی است و همهٔ برنامه‌های درسی بنابـــه ویژگی‌هـــا و ماهیت خود می‌توانند از آن بهره‌برداری کنند. به عبارت دیگر برنامه درســـی تربیت معنوی در عرض سایر برنامه‌ها نیست که در جدول دروس جایگاه خاص داشته باشد، بلکه فراتر از همهٔ آنهاست و در هر برنامه درسی دیگر می‌تواند نفوذ و تأثیر داشته باشد.

نکته دوم اینکه عنصر خانواده در میان عناصر برنامه درســـی موضوعی جدید اســـت که در الگوی پیشنهادی طرح شده است. مشارکت والدین در تدوین و اجرای برنامه درسی معنوی از لوازم موفقیت آن به‌شمار می‌آید. زمینه‌ها و بنیان‌های تربیت معنوی در خانواده شکل می‌گیرند و بدون ایفای نقش مؤثر آنها هدف‌های مورد انتظار تحقق پیدا نمی‌کنند.

نکته ســـوم تأکید بر نقش معلم در شـــکل‌گیری و اجرای برنامهٔ درسی تربیت معنوی است. موضوع معنویت در همهٔ سطوح تربیتی به عملکرد معلم پیوند خورده است. این صلاحیت معنوی معلم است که به اثرگذاری فرصت‌ها و تجارب تربیتی و یادگیری پیش‌بینی شده کمکی مؤثر می‌کند و موفقیت برنامه را تا حدود زیادی تضمین می‌کند.

با این توضیحات مؤلفه‌های الگو معرفی می‌شوند:

۱. مبانی اعتقادی الگو

مجموعه‌ای از باورهای قرآنی در زمینه نگاه توحیدی به هســـتی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناســـی، پایه‌های فکری الگو را تشکیل می‌دهند. آیه بودن کل نظام هستی، داشتن فطرت الهی، پویایی و حرکت انسان در جهت نیل به قرب الهی، علم به‌منزله کشف فعل خدا و امکان رسیدن انسان به حیات طیبه، براساس انتخاب و التزام آزادانه و آگاهانه معیارهای مقبول دین حق را می‌توان از مختصات مبانی اعتقادی الگوی برنامهٔ درسی تربیت معنوی در دورهٔ متوسطه اول درنظر گرفت.

۲. اصول حاکم بر برنامه درسی تربیت معنوی

قواعدی که بر پایه مبانی در تدوین عناصر برنامه درسی رعایت می‌شوند به‌صورت زیر خواهند بود. شایان ذکر است که این اصول با تحلیلی عقلانی و با اثرپذیری از آنچه در زمینه تربیت معنوی با رویکرد اسلامی واقع شده، تعیین شده است: دین ـ محوری، جامعیت، پویایی، توازن و تناسب، توجه به تفاوت‌ها، توجه به نقش محوری خانواده و نقش محوری معلم و مربی را در زمرهٔ اصول کلی حاکم بر الگو می‌توان به‌حساب آورد.

۳. منطق الگو

منطق، به چرایی طراحی الگوی برنامه درسی تربیت معنوی ارتباط پیدا می‌کند. چرا باید چنین الگویی تهیه شود؟ در میان برنامه‌های درسی کدام خلأ وجود دارد یا کدام خلأ بروز و ظهور می‌کند اگر چنین الگویی طراحی نشود؟ ضرورت و پاسخ به چرایی طراحی الگو را در ویژگی‌هایی فطری انسان و به تبع آن در لزوم تربیت معنوی باید جست‌وجو کرد. هیچ یک از ساحت‌های دیگر، نمی‌توانند به‌جای تربیت معنوی ایفای نقش کنند، همان‌طورکه تربیت معنوی نمی‌تواند ما را از پرداختن به تربیت‌های دیگر بی‌نیاز سازد.

۴. هدف‌های برنامه درسی تربیت معنوی

مهم‌ترین عنصر برنامه درسی به‌طور عام و برنامه درسی معنوی به‌طورخاص هدف‌ها هستند. این عنصر با عنایت به ملاحظات زیر باید تعیین شود:

- پرورش انسان خداجو، خودآگاه و پویا در مسیر رشد همه‌جانبه او،
- درونی‌سازی بینش توحیدی و معناجویی در گسترهٔ زندگی،
- تقویت احساس مسئولیت و تعهد نسبت به خود، دیگران و محیط زیست،
- کسب توانایی لازم در تعادل‌بخشی به زندگی (عبادت، کار، خدمت و تفریح)،
- ارتقای توانایی تشخیص موقعیت‌های خاص اخلاقی و اتخاذ تصمیم معنوی،
- کسب روحیهٔ زنده و پویا در رویارویی با مسائل زندگی و حفظ امیدواری.

۵. انتخاب محتوای برنامه درسی تربیت معنوی

محتوای برنامه درسی تربیت معنوی با رعایت اصول زیر انتخاب می‌شود:

- پیوند محتوا با نگرش توحیدی به هستی،
- انتخاب محتوا با نگاه حداکثری به دین و ابعاد وسیع زندگی،
- قابلیت پیوند با زندگی واقعی،
- توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی و انسان‌شناختی یادگیرنده،
- بهره‌مندی از تجارب معنوی یادگیرنده در شکل‌گیری محتوای روئیدنی،

- انسجام و یکپارچگی اجزا و مؤلفه‌های محتوا،
- طرح رویدادها و داستان‌های واقعی انسان‌های معنوی موفق در محتوا،
- توجه به پویایی محتوا در پویاسازی یادگیرنده در رویارویی با مسائل و موانع زندگی،
- جذابیت و تنوع فرصت‌های یادگیری پیش‌بینی‌شده در محتوا.

۶. سازماندهی

در تنظیم اجزای درونی و ارتباطات بیرونی محتوا نکته‌های زیر مورد توجه قرار گیرند:

- بهره‌گیری از رویکرد میان ـ رشته‌ای و چند رشته‌ای، به‌منظور افزایش ظرفیت معناسازی و معنویت‌گرایی محتوا،
- حصول اطمینان کافی از گستره و جامعیت برنامه درسی تربیت معنوی با توجه به فرارشته‌ای بودن آن،
- مورد غفلت قرارندادن توالی محتوای معنوی در سال‌های متمادی،
- توجه کردن به زندگی واقعی دانش‌آموزان در تنظیم محتوا،
- فراهم کردن امکان دخالت و اثرگذاری معلم در انعطاف‌پذیری و پویاسازی محتوا.

۷. راهبردهای تدریس

- توجه به ویژگی‌های یادگیرنده،
- توجه به ساختار و ویژگی‌های محتوا،
- تأکید بر روش الگویی،
- ضرورت حضور معلمان با صلاحیت معنوی،
- توجه به هدف‌های برنامه درسی،
- انجام دادن تمرین‌های مراقبه و تأملات شخصی،
- بحث و گفت‌وگو و دستیابی به اقناع در مسائل معنوی،
- مداخله‌های قرآنی، روانی و ادبی در فرایند تدریس.

۸. نقش معلم

- خلق فضای مناسب و فرصت‌های معنوی،
- خودسازی معنوی و تقویت نقش اسوه‌ای خود،
- راهنما و تسهیل‌گر بودن در تجارب معنوی،
- مشارکت در طراحی و اجرای برنامهٔ درسی معنوی با رویکرد زندگی پویا،
- ارتباط با خانواده‌ها به منظور تقویت رفتارهای معنوی،
- تقویت، توسعه و تعمیق دانش، ارزش و مهارت‌های تربیت معنوی.

۹. نقش یادگیرنده

- فعال بودن در ساخت معنا،
- تجربه‌گر و مسئول بودن در رشد درونی خود،
- خودارزیابی و درک واقعی از موقعیت خود،
- ایجاد تعامل بالای یادگیرنده ـ یادگیرنده،
- مشارکت‌کردن در فراهم آوردن فرصت‌های معنوی.

۱۰. ارزشیابی

- محور قرار گرفتن ارزشیابی‌های مرحله‌ای و تکوینی،
- مشاهدهٔ حالت‌ها و رفتارهای معنوی یادگیرنده و ثبت آنها،
- خودارزیابی و مقایسهٔ نتایج آن با رفتارهای واقعی،
- ارزیابی از سوی هم‌کلاسی‌ها،
- پرهیز از مقایسهٔ رفتاری افراد در امور معنوی،
- دریافت اظهارنظرهای اعضای خانواده درباره رفتارهای معنوی فرزندان.

۱۱. نقش خانواده

- مشارکت کردن خانواده‌ها در غنی‌سازی محتواهای معنوی،
- تأکید و هماهنگی خانه و مدرسه در پرداختن به تربیت معنوی،
- هدایت و توانمندسازی خانواده‌ها در زمینهٔ انتخاب سبک زندگی پویای معنوی،
- برگزاری نشست‌های هم‌اندیشی هدفمند با خانواده‌ها در زمینه جایگاه تربیت معنوی.

۱۲. فضا (محیط)

- ایجاد فضای فیزیکی تأثیرگذار،
- ایجاد فضای گفت‌وگو و تفکر،
- مناسبات معنوی در گفتارها و کردارها،
- برگزاری مراسم و رویدادهای معنوی،
- فراهم کردن فرصت‌های مناسب و به‌هنگام برای مشارکت معنوی.

۱۳. زمان

- انعطاف‌پذیری،
- استمرار و مداومت،
- امتداد زمان نه انحصار در یک مقطع زمانی،
- آمیختگی با ارزیابی،
- پیوند سه زمان.

شکل ۳. الگوی نهایی برنامه درسی تربیت معنوی دورهٔ اول متوسط با رویکرد زندگی پویا

■ نتیجه‌گیری و پیشنهادها ■

برنامه درسی تربیت معنوی در میان انواع برنامه‌های درسی در دوره‌های تحصیلی موقعیت فرا برنامه‌ای دارد. به این معنا که نمی‌توان مانند سایر دروس، درسی نیز با عنوان معنویت در نظر گرفته شد و تدریس کرد، بلکه این موضوع فراتر از برنامه‌های درسی قراردارد و با این الگوی طراحی‌شده می‌توان به‌مثابه یک الگوی فراگیر به همه آنها جهت داد. بدیهی است که هر یک از آنها بنا به ماهیتی که دارند با این فرا برنامه نسبت برقرار و دلالت‌های لازم را دریافت می‌کنند. ضروری است از سوی نظام تعلیم‌وتربیت و به‌صورت هدفمند چند اقدام ذیل صورت پذیرد:

۱. معلمان باید برای تدریس ارزش‌ها، نگرش‌ها و توانائی‌های مرتبط با تربیت معنوی صلاحیت کافی به‌دست آورند و آموزش‌های مستمر به‌این‌منظور صورت گیرد. شایان ذکر است که معنویت بیش از آنکه با نوشته‌ها تقویت شود از طریق منش و روش معلم شایسته تعمیق پیدا می‌کند.

۲. خانواده‌ها با برنامه‌ای نظام‌مند و با تعیین اولویت در زمینه تربیت معنوی و ایفای نقش والدین، آموزش‌های لازم را دریافت کنند.

۳. قوانین و مقررات آموزشی بازنگری شوند و تسهیلات لازم برای اجرایی کردن برنامه درسی معنوی در نظام آموزش و پرورش فراهم آید.

۴. به دلیل نو بودن بحث تربیت معنوی، ضروری است که به روش مقتضی با دانش‌آموزان نیز گفت‌وگو و اهمیت این برنامه در متن زندگی برای آنان مشخص شود.

منابع و مآخذ

REFERENCES

قرآن کریم.

ارنشتاین، الن سی. و هانکینز، پی. فرانسیس. (۱۳۸۴). *نظریه‌های آموزش و یادگیری*، ترجمه علی‌اکبر سیف. سمت.

اروین، ویلیام بی. (۱۴۰۴). *فلسفه‌ای برای زندگی: روش‌های کهن رواقی برای زندگی امروز*، ترجمه محمد یوسفی. تهران: ققنوس.

بازرگان، عباس. (۱۳۷۶). کیفیت و ارزیابی آن در آموزش عالی: نگاهی به تجربه‌های ملی و بین‌المللی. *رهیافت، ۷* (۱۵)، ۶۰-۷۱.

تریگ، راجر. (۱۳۸۴). *فهم علم اجتماعی*، ترجمه شهناز مسمی‌پرست. تهران: نی.

توکلی، نسرین. (۱۳۹۵). *اجرای برنامه درسی با رویکرد معنوی و تأثیر آن در جامعه*. قم: دانشگاه پیام نور.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷). *تفسیر انسان به انسان*. قم: اسراء.

فرانکل، ویکتور امیل. (۱۳۸۰). *انسان در جستجوی معنا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

قاسم‌پور، عرفانه؛ ملکی‌پور، احمد و زارع صفت، صادق. (۱۳۹۵). تبیین مؤلفه‌های برنامه درسی معنوی با نگاهی به دیدگاه نادینگز. *پژوهش‌های کیفی در برنامه درسی، ۱* (۳)، ۲۷-۵۱.

https://doi.org/10.22054/qric.2016.7072

مرادی، مسعود؛ سید کلان، میرمحمد و عیاری، لیلا. (۱۳۹۳). طراحی الگوی برنامه درسی معنوی در راستای تربیت زمینه‌ساز؛ راهبردها و راهکارهای اجرایی آن. *فصلنامهٔ پژوهش‌های مهدوی*، ۳(۱)،۱۱۷-۱۴۰.

https://doi.org / 20.1001.1.25382241.1401.13.26.7.0

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۱). *آزادی معنوی*. تهران: صدرا.

ملکی، حسن. (۱۳۸۲). *برنامه‌ریزی درسی: راهنمای عمل*. تهران: انتشارات مدرسه.

ملکی، حسن. (۱۴۰۰). *نظریه فطرت‌گرایی توحیدی در برنامه درسی*. تهران: انتشارات مدرسه.

میلر، جان پی. (۱۳۸۰). *آموزش‌وپرورش و روح به‌سوی یک برنامه درسی معنوی*، ترجمه نادرقلی قورچیان. تهران: آزاده.

Boland, A., Cherry, M. G., & Dickson, R. (Eds.). (2017). *Doing a systematic review: A student's guide*. SAGE Publications.

Braun, V., & Clarke, V. (2006). *Using thematic analysis in psychology. Qualitative Research in Psychology, 3*(2), 77-101.

Emerson, R. A. (1999). *The psychology of ultimate concerns: Motivation and spirituality in personality*. New York: Guilford.

Fisher, J. (2005). Dimensions of spirituality. *American Educational Research Journal, 44*(4), 1002-1039.

Glatthorn, A. A., Boschee, F., Whitehead, B. M., & Boschee, B. F. (2018). *Curriculum leadership: Strategies for development and implementation.* SAGE Publications.

Goffin, A. B. (2000). *The curriculum design framework*. New York, NY: Pearson.

Izon, E., Berry, K., Law, H., & French, P. (1998). Expressed emotion (EE) in families of individuals at-risk of developing psychosis: A systematic review. *Psychiatry Research*, 270, 661-672.

Noddings, N., & Shore, P. J. (1984). *Awakening the inner eye: Intuition in education*. Teachers College Press.

Plante, T. G. (2008). What do the spiritual and religious traditions offer the practicing psychologist?. *Pastoral Psychology*, *56*(4), 429-444.

Sheldrake, P. (2000) *A brief history of spirituality*. Oxford, Malden and Calton: Blackwell.

Slattery, P. (1992). Toward an eschatology logical curriculum Theory. *Journal of Curriculum Theorizing*, *9,* 7-21.

Trousdale, A. M. (2004). Black and white fire: The interplay stories, imagination and children's spirituality. *International Journal of Children's Spirituality, 9*(2),177-188.

Quarterly Journal of
Education

A Curricular Model for Spiritual Training at Junior High School Level

H. Maleki[1] ◉ A. R. Araaghiyeh, Ph.D.[2*] ◉ H. Maleki, Ph.D.[3] ◉ N. Shafi'ee, Ph.D.[4] ◉ A. H. Mahdizaadeh, Ph.D.[5]

Abstract

Hoping for improvements in teaching religion and religious values to adolescents, a dynamic life style approach was deemed useful in designing a curricular model for what is known as spiritual training. To this end, a set of 77 constituents of such a model were initially deduced from a systematic review and content analysis of available resources. Elements such as foundations, goals and objectives, content, teaching methods, time and space, evaluation, family, teacher's and learner's roles, challenges and approaches constitute this model. In the process of constructing this model, it was discovered that training in spirituality is not like and parallel to other trainings, wherein specific topics and courses are taught. It is more of an extracurricular activity that can be incorporated within other courses.

Keywords: **Curriculum, spiritual training, spiritual curriculum, dynamic life, junior high school**

Date Received: Dec. 15, 2025 **Date Accepted:** March 16, 2026

This paper is derived from the first author's Doctoral Dissertation.

1. Doctoral Student in Curricular Studies, Eslamshahr Branch, Islamic Azad University, Eslamshahr, Iran.
2. Professor, Department of Curricular Studies, Eslamshahr Branch, Islamic Azad University, Eslamshahr, Iran. (Corresponding Author).
E-mail: a.araghieh@iau.ir
3. Professor, Department of Curriculum Planning, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
4. Assistant Professor, Department of Education, Eslamshahr Branch, Islamic Azad University, Eslamshahr, Iran
5. Associate Professor, Department of Curricular Studies, Eslamshahr Branch, Islamic Azad University, Eslamshahr, Iran.